

ابهام در سیاست خارجی دولت ترامپ

طرح پایان دادن به جنگ دوساله اسرائیل و حماس در مرکز توجه کنونی قرار دارد؛ مجموعه‌ای از ایده‌ها و اصول که تیم ترامپ در اواخر سپتامبر مطرح کرد و اوایل اکتبر با سفر ترامپ به اسرائیل و مصر و آغاز آتش‌بس تقویت شد. سیاست‌های ترامپ در خاورمیانه نامتعارف و غیرقابل پیش‌بینی بوده، اما یکی از ویژگی‌های پایدار آن، رایزنی گسترده با شرکای نزدیک آمریکا از جمله اسرائیل، قطر، مصر، ترکیه، عربستان و امارات است. نحوه مدیریت تنش میان دو متحد آمریکا، یعنی اسرائیل و قطر، پس از حمله اسرائیل به مواضع حماس در خاک قطر در ماه سپتامبر، نمونه‌ای از سبک جدید دیپلماسی دولت ترامپ محسوب می‌شود. گرایش دولت ترامپ به یکجانبه‌گرایی در قالب شعار «اول آمریکا» در بسیاری از روابط جهانی، به‌ویژه در اروپا و نیم‌کره غربی دیده می‌شود، اما در خاورمیانه این گرایش که رنگ‌تر بوده است. خاورمیانه در دستور کار امنیت ملی دولت ترامپ جایگاه بالاتری نسبت به دوره‌های پیشین دارد. در دو موضوع بزرگ منطقه‌ای، مناقشه اسرائیل و فلسطین و مسئله ایران، هنوز نتیجه‌روشنی حاصل نشده است. در کشورهایی مانند سوریه و لبنان نیز دولت ترامپ بر خلاف تمایل سنتی خود، در مواردی کمک‌هایی کلیدی ارائه کرده؛ هر چند همزمان منابع و بودجه نهادهای امنیت ملی و کمک‌های خارجی را کاهش داده است. هنوز مشخص نیست که آیا این دولت توان و مهارت دیپلماتیک لازم برای حل پایدار این چالش‌ها را دارد یا نه. در مورد ایران، تیم ترامپ پس از «جنگ دوازده‌روزه» در ژوئن، فشار حداکثری را تشدید کرد. با این حال، مسیر دستیابی به راه‌حلی دیپلماتیک و پایدار همچنان مبهم است. یکی از نقاط ضعف آشکار سیاست خاورمیانه‌ای ترامپ در یم است؛ جایی که حوثی‌ها همچنان تهدیدی برای شرکای آمریکا مانند اسرائیل به شمار می‌روند و آزادی کشتیرانی در دریای سرخ را به چالش می‌کشند. به‌طور کلی، سیاست خارجی ترامپ در فاصله اوت تا اواسط اکتبر ۲۰۲۵ شامل مجموعه‌ای پرشتاب از اقدامات بود: سیاست‌های سختگیرانه مهاجرتی، حملات نظامی هدفمند علیه باندهای مواد مخدر در آمریکای لاتین، و تصمیمات غیرمتعارف اقتصادی که هنوز تأثیر ملموسی بر زندگی شهروندان آمریکایی نداشته است. ترامپ در نشست مجمع عمومی سازمان ملل در سپتامبر سخنرانی تند و تحریک‌آمیزی داشت، در حالی که هم‌زمان دولتش بودجه سازمان ملل را کاهش و فاصله خود را از آن افزایش داد. تاکنی ترامپ در پایان دادن به جنگ روسیه و اوکراین یکی از بزرگ‌ترین نقاط ضعف او در ماه‌های نخست دوره دوم ریاست‌جمهوری اش محسوب می‌شود. همچنین، جهت‌گیری راهبردی آمریکا در قبال چین، پس از ۹ ماه از آغاز دوره دوم دولتش همچنان نامشخص است. در مجموع، تمرکز اصلی سیاست و بحث‌های داخلی آمریکا بر مسائل داخلی است، به‌ویژه بحران تعطیلی دولت فدرال که از اول اکتبر آغاز شد. با این حال، خاورمیانه همچنان در اولویت دولت ترامپ باقی خواهد ماند؛ زیرا او این منطقه را عرصه‌ای می‌داند که در دوره اول خود با امضای «توافق ابراهیم» میان اسرائیل، امارات، بحرین و مراکش دستاوردی قابل توجه داشته است. ترامپ در پی آن است که بر پایه آن توافق، روابط اقتصادی و راهبردی آمریکا با کشورهای کلیدی منطقه را گسترش دهد. این گزارش بخشی از ارزیابی فصلی مؤسسه خاورمیانه از عملکرد دولت آمریکا در پنج حوزه اصلی سیاست خارجی است که با منافع امنیت ملی بلندمدت آمریکا در خاورمیانه پیوند دارد. این منافع شامل امنیت انرژی و اقتصاد، روابط پایدار با شبکه‌ای از شرکا، ثبات منطقه‌ای، آزادی کشتیرانی، جلوگیری از جنگ، مبارزه با تروریسم، ایران و جلوگیری از اشاعه هسته‌ای است. ارزیابی حاضر عملکرد دولت آمریکا از اوت تا اواسط اکتبر ۲۰۲۵ را بررسی می‌کند و بازتاب تحلیل مستقل یک پژوهشگر در مؤسسه خاورمیانه است که بر پایه پژوهش‌های سیاسی و بازبینی همکاران انجام شده است. در مجموع، گزارش نشان می‌دهد که سیاست خاورمیانه‌ای دولت ترامپ ترکیبی از عمل‌گرایی تاکتیکی، فشار نظامی و اقتصادی، و تلاش برای حفظ روابط با متحدان منطقه‌ای است؛ در عین حال، این سیاست با کمبود منابع، نوسان تصمیم‌گیری و نبود راهبرد بلندمدت مشخص رویه‌رو است. دولت ترامپ در حالی بر دستاوردهای نمادین مانند توافق آتش‌بس غزه تکیه می‌کند که در موضوعات کلیدی چون ایران، یمن و ثبات سوریه و لبنان، چشم‌انداز روشنی از موفقیت پایدار وجود ندارد.



آرمین منتظری

دبیر گروه دیپلماسی و بین‌الملل

اسرائیل به احتمال زیاد در ماه‌های آینده حمله نظامی دیگری علیه حوثی‌ها آغاز خواهد کرد. در صورت وقوع این رخداد، حوثی‌ها هم به‌طور طبیعی حملات خود را به اسرائیل و کشتیرانی در دریای سرخ از سر خواهند گرفت و حتی این درگیری ممکن است جنگ داخلی در یمن و حملات بعدی حوثی‌ها به برخی اهداف در حاشیه خلیج فارس را نیز موجب شود. در صورت شدت یافتن فضای بی‌ثباتی و ناامنی، خلا‌های امنیتی ایجادشده ممکن است شرایط را برای سوءاستفاده القاعده در یمن مهیا کند. سرلشکر یوسف حسن المدنی، فرمانده نظامی حوثی‌ها، در نامه‌ای که اخیراً خطاب به حماس نوشته، اعلام کرد که حوثی‌های یمن حملات خود را به اسرائیل و کشتیرانی در دریای سرخ متوقف کرده‌اند. البته او تهدید کرد که در صورت از سرگرفته شدن حملات اسرائیل به غزه، حوثی‌ها نیز عملیات خود را در دریای سرخ و حملات موشکی و پهپادی خود به اسرائیل را از سر خواهند گرفت. این موضع در حالی اعلام شده که اسرائیل و جنبش حوثی‌های یمن در هفته‌های اخیر مجموعه‌ای از تهدیدهای تلافی‌جویانه مبنی بر رویارویی نظامی را علیه یکدیگر مطرح کرده‌اند. شدت این تهدیدها نشان می‌دهد که احتمال وقوع رویارویی به صورت واقعی وجود دارد. از همه مهم‌تر اینکه، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، در روز دوم نوامبر هشدار داد که اسرائیل در حال آماده شدن برای اقدام نظامی بیشتر علیه حوثی‌ها است و ادعا کرد که اسرائیل هنوز هم حوثی‌ها را یک تهدید به‌طور کامل خنثی نشود. دور روز بعد، و نیاز است که این تهدید به‌طور کامل خنثی شود. دور روز بعد، عبدالملک الحوثی، رهبر حوثی‌ها، اعلام کرد که این گروه وقوع یک رویارویی نظامی دیگر به عنوان بخشی از «مبارزه‌اش علیه اسرائیل» را بعید نمی‌داند. برخی دیگر از مقامات حوثی‌ها نیز که اکثر نظامی بودند، چنین موضعی را تکرار کرده‌اند. به‌موازات این اظهارات، نیروهای ضدحوثی در یمن ادعا کردند که اخیراً چندین محموله سلاح ایرانی را که برای حوثی‌ها ارسال شده بود، رهگیری کرده‌اند. در صورتی که این ادعا ادامه یابد، اسرائیل می‌تواند از این اتهامات به عنوان توجیهی برای حملات خود استفاده کرده و اعلام کند که ایران همچنان به تلاش برای تجهیز متحد کلیدی خود در شبه‌جزیره عربستان ادامه می‌دهد.

▼ حوثی‌ها و آتش‌بس در غزه

حوثی‌ها پس از آتش‌بس اسرائیل و حماس در ۸ اکتبر، حملات خود را در دریای سرخ و حملات موشکی و پهپادی خود به اسرائیل را متوقف کرده‌اند. آنها پس از آتش‌بس ژانویه ۲۰۲۵ در غزه نیز این کار را کرده بودند اما این گروه رسماً تعلیق مبارزات خود علیه اسرائیل را تأیید نکرده است. تحلیل‌گران و منابع اطلاعاتی محلی در یمن خاطرنشان کرده‌اند که در چند هفته گذشته، بسیج قبایل طرفدار حوثی در سراسر شمال یمن افزایش یافته است، علاوه بر این تونل‌هایی در کوه‌ها حفر شده است که می‌تواند به عنوان مخفیگاه و انبار سلاح استفاده شود. در روز ۲۳ اکتبر، نیروهای شورای رهبری ریاست‌جمهوری که ائتلاف اصلی حاکم ضدحوثی در یمن است و مورد حمایت عربستان سعودی و امارات متحده عربی نیز هست، عملیات مشترکی را به اجرا گذاشته‌اند که به ادعاهای آنها طی آن یک کشتی ایرانی حامل سلاح و قطعات پهپاد که به مقصد مناطق تحت کنترل حوثی‌ها در حرکت بود، توقیف شد. حوثی‌ها با وجود درگیری‌های نظامی مکرر با اسرائیل و ایالات متحده، همچنان فعال‌ترین متحد ایران هستند. در عین حال، وضعیت جنگ داخلی یمن، حتی در میانه بسیج نیروهای حوثی و مخالفان شان، تا حد زیادی تثبیت شده است. پس از حملات حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و حمله بعدی اسرائیل به غزه، جنبش حوثی‌ها – که بخش بزرگی از شمال یمن را در کنترل دارند – شروع به هدف قرار دادن خطوط کشتیرانی در یای سرخ و پرتاب موشک و پهپاد به سمت اسرائیل کردند. این گروه این عملیات را در طول جنگ دوساله غزه، در مقیاس‌های کوچک و بزرگ، ادامه داد تا فشار بر اسرائیل را برای پذیرفتن آتش‌بس افزایش داده و از «محور مقاومت» حمایت کند. اسرائیل نیز در واکنش به حملات حوثی‌ها، چندین موج حمله هوایی به مواضع نظامی، رهبران و زیرساخت‌های حیاتی حوثی‌ها مانند بندر الحدیده انجام داد. حملات اسرائیل منجر به تشدید گسترده‌تر درگیری‌ها شد و در نهایت در نوامبر ۲۰۲۳ پای ایالات متحده را به این درگیری‌ها باز کرد. در میانه حملات مداوم حوثی‌ها، ایالات متحده در اوایل سال ۲۰۲۵ عملیات گسترده‌تری را علیه این گروه آغاز کرد که شامل حملات هوایی به اهداف حوثی‌ها در یمن بود. در نهایت واشنگتن پس از دستیابی به آتش‌بس با حوثی‌ها، در ماه مه به این عملیات پایان داد. هر چند این آتش‌بس شامل تعهدی از سوی حوثی‌ها برای توقف حملات‌شان به اسرائیل نبود و حتی پس از آتش‌بس به آمریکا نیز حوثی‌ها حملاتی پراکنده به اسرائیل انجام دادند. غیر از اینکه اقدامات حوثی‌ها آمد و شد خطوط کشتیرانی را در دریای سرخ مختل کرده، رویارویی‌شان با اسرائیل، چشم‌انداز ثبات و امنیت داخلی در یمن را نیز متزلزل کرده و یمن را در آستانه آغاز دوباره جنگ داخلی قرار داده است. نکته قابل توجه این است که مذاکرات صلح بین حوثی‌ها و دولت به رسمیت شناخته‌شده بین‌المللی در عدن متوقف شده

است. این مذاکرات بود که در سال به آتش‌بس مورد حمایت سازمان ملل در یمن انجامید و جنگ را متوقف کرده و مانع از وخیم‌تر شدن بحران انسانی در یمن شد. در دو سال گذشته همچنین شاهد بسیج نیروی گسترده حوثی‌ها و درگیری‌ها در امتداد خطوط تماس با جناح‌های تحت حمایت امارات متحده عربی در استان مارب بوده‌ایم. امارات به‌رغم اینکه از سال‌ها پیش خیلی زود از ائتلاف تحت حمایت عربستان سعودی علیه یمن خارج شد، اما همچنان حضورش را در یمن حفظ کرده است. امارات متحده عربی اخیراً روند مسلح کردن جناح‌های ضدحوثی در یمن، از جمله تیپ‌های موسوم به غول‌ها – بخشی از نیروهای مقاومت ملی ضدحوثی (NRF) که استان‌های خط مقدم شبوه و مارب را کنترل می‌کنند – را شدت بخشیده است. اما با وجود این تنش‌ها و تشدید درگیری‌ها، هیچ طرفی حمله بزرگی را آغاز نکرده است و آتش‌بس سال ۲۰۲۲ همچنان پایر جا اما شکننده است.

اردوگاه ضدحوثی‌ها در یمن شامل ائتلافی سست از جناح‌های تحت فرماندهی شورای رهبری ریاست‌جمهوری (PLC) است که شامل واحدهای ارتش یمن و شبه‌نظامیان قبیله‌ای تحت حمایت عربستان سعودی، نیروهای مستقر در جنوب تحت حمایت امارات متحده عربی مانند شورای انتقالی جنوب، تیپ غول‌ها، نیروهای دفاعی شبوه و حضرموت و نیروهای مقاومت ملی است که همگی اسماً علیه حوثی‌ها متحد هستند اما به دلیل رقابت میان خود بر سر منافع در یمن، در درون نیز با هم اختلافاتی دارند.

حوثی‌ها در طول دو سال رویارویی نظامی با اسرائیل، دائماً تهدید می‌کردند که در صورت مداخله عربستان سعودی و امارات متحده عربی در حمایت از اسرائیل یا سوءاستفاده از این درگیری برای آغاز حمله علیه حوثی‌ها در یمن، به آنها حمله خواهند کرد اما این تهدیدات هرگز عملی نشد. نخستین دلیل این بود که عربستان سعودی برای بهبود روابط با ایران و فاصله گرفتن از رویارویی میان حوثی‌ها و اسرائیل تلاش می‌کرد و هدفش جلوگیری از وقوع درگیری دیگری بود که باعث حمله حوثی‌ها به خاکش شود.

آخرین حمله بزرگ حوثی‌ها به اهدافی در خلیج فارس در ژانویه ۲۰۲۲ رخ داد. در آن زمان حوثی‌ها یک حمله پهپادی و موشکی به ابوظبی انجام دادند و تأسیسات ذخیره سوخت در نزدیکی فرودگاه بین‌المللی امارات آسیب دید و سه نفر کشته شدند. این اولین حمله موفقیت‌آمیز حوثی‌ها به خاک امارات

بود. امارات متحده عربی، به‌رغم آتش‌بس در یمن، در حمایت و تسلیح جناح‌های ضدحوثی در یمن، تهاجمی‌تر از عربستان سعودی عمل کرده است. در مقابل، عربستان سعودی برای جلوگیری از درگیری جدیدی که می‌تواند به خاک این کشور سرایت کند، خواستار ادامه مذاکرات تحت چارچوب آتش‌بس ۲۰۲۲ شده است.

وال استریت ژورنال در ماه آوریل ۲۰۲۵ گزارش داده بود که جناح‌های ضدحوثی – با حمایت امارات متحده عربی، عربستان سعودی، ایالات متحده و اسرائیل – در حال آماده‌سازی یک حمله هماهنگ برای بازپس‌گیری قلمرو حوثی‌ها در شمال یمن هستند. البته سعودی‌ها و اماراتی‌ها این گزارش را رد کردند.

▼ استراتژی اسرائیل در یمن

اسرائیل به احتمال زیاد در ماه‌های آینده، اگر نه زودتر، حمله نظامی جدیدی علیه حوثی‌ها آغاز خواهد کرد که باعث تلافی حوثی‌ها علیه اسرائیل و کشتی‌ها در داخل و اطراف دریای سرخ خواهد شد. با توجه به دکترین امنیتی پیشگیرانه اسرائیل و تهدیدات اخیري که مقامات اسرائیلی علیه حوثی‌ها مطرح کرده‌اند، حمله اسرائیل علیه حوثی‌ها در ماه‌های آینده، احتمالاً قبل از پایان سال جاری میلادی، بسیار محتمل است. این حمله احتمالاً پس از یک دور جمع‌آوری اطلاعات فشرده در یمن برای مهیا کردن مقدمات جهت انجام عملیات‌های هدفمند ترور شخصیت‌های ارشد سیاسی و نظامی حوثی‌ها انجام خواهد شد. اسرائیل پیش‌تر نیز عملیات‌های ترور در یمن انجام داده و در آخرین مورد این عملیات‌ها منجر به ترور موفق نخست‌وزیر و رئیس ستاد ارتش حوثی‌ها شد. اسرائیل علاوه بر حملات به رهبران ارشد

حمله

گمانه‌زنی درباره طرح اسرائیل برا

